

تبیین چالش‌های سیاستگذاری فرهنگی موسسات آموزش عالی در مراحل تدوین، اجرا و ارزیابی

علیرضا نصیری فیروز

دکتری تخصصی مدیریت آموزش عالی و مدرس متون تخصصی، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول).

nasirifiruz56@gmail.com

محمد اسکندری

دکتری تخصصی مدیریت ورزشی، دانشگاه دامغان، سمنان، ایران.

چکیده

مقدمه و هدف: سیاستگذاری فرهنگی شامل سه مرحله تدوین سیاست‌ها، اجرای برنامه‌ها و ارزیابی از فعالیت‌ها است. در هر یک از مراحل موانعی وجود دارند که شناسایی و ارائه راهکار برای برطرف کردن آنها و بهبود وضعیت موجود می‌تواند مفید باشد. هدف این مطالعه شناسایی موانع و راهکارهای سیاستگذاری فرهنگی نظام آموزش عالی است تا زمینه شناسایی، پیش‌بینی، بازخورد، بهبود و ارتقا فراهم شود.

روش: این مطالعه از روش کیفی و مرور نظام مند با هدف کاربردی استفاده کرد. مرور نظام‌مند جامعی از اسناد صورت گرفت که از پژوهش‌های پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف و ارجاعات مرتبط بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۹ صورت گرفت. در مجموع ۴۰ منبع مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. معیارهای انتخاب اسناد، همراستایی عنوان، چکیده و محتوی با سیاستگذاری فرهنگی در آموزش عالی بود.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که موانع سیاستگذاری فرهنگی موسسات آموزش عالی را می‌توان در سه مقوله اصلی به همراه زیرمؤلفه‌های مربوطه قرار داد: موانع تدوین سیاست‌ها (موانع نظری و مطالعاتی، ضعف در مسئله‌شناسی، روش شناسی و فقدان پایگاه اطلاعاتی)؛ موانع اجرای برنامه‌ها (موانع ناشی از مجریان، موانع مالی، موانع قانونی، موانع مرتبط با منابع انسانی، موانع مرتبط با مدیریت زیر ساخت‌ها و موانع محیطی) و موانع ارزیابی فعالیت‌ها (موانع مرتبط با داده‌ها، موانع سخت‌افزاری، موانع نرم‌افزاری و موانع مرتبط با درک و هشیاری).

نتیجه‌گیری: مهم‌ترین نتیجه پژوهش حاضر این است که سیاستگذاری فرهنگی موسسات عالی نباید با نظم گفتمانی دانشگاهی حاکم بر میدان علم و دانشگاه در تضاد باشد. راهکار مفید برای دستیابی به این واقعیت، برطرف کردن موانع سیاستگذاری فرهنگی است.

کلید واژه‌ها: سیاستگذاری فرهنگی، موانع، راهکارها، موسسات آموزش عالی.

مقدمه

سیاست‌های فرهنگی و ایجاد پیامدها و آثار مورد نظر در جامعه، اهداف اصلی نظام سیاستگذاری فرهنگی هستند و در صورت محقق نشدن این پیامدها و آثار، اساساً فلسفه سیاستگذاری فرهنگی زیر سوال خواهد رفت. در موسسات آموزش عالی تنها بخشی از سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی اجرا می‌شوند و تا رسیدن به نتایج مطلوب راه درازی در پیش است. اگر از منظر دانش سیاستگذاری به این مسئله نگریسته شود، از علل عمده این عدم موفقیت، عوامل بازدارنده در مراحل مختلف سیاستگذاری فرهنگی هستند (همان). سیاستگذار با نابسامانی‌های فرهنگی اجتماع خویش مواجه است، آرمان‌های او، تبدیل پلیدی‌ها به نیکی‌هاست. اما هنگامی که به سیاستگذاری مبادرت می‌ورزد، بدون توجه به متغیرهای پدید آورنده آن نابسامانی، به بعضی از شاخص‌های محدود کمی بسنده می‌کند. بدیهی است در عین مفید بودن این شاخص‌ها، ولی نمی‌توانند به خودی خود اصلاح‌کننده کژی‌های مذکور باشند (اشترین، ۱۳۹۱). همچنین در طول دو دهه گذشته، آموزش عالی در پاسخ به نیازهای اجتماعی، اقتصادی و آموزشی دچار تغییرات اساسی شده است (چان^۳ و همکاران، ۲۰۱۷). سیاستگذاری اغلب با نگاهی جدید، به محدود نمودن قدرت سنتی سلسله مراتبی (بالا - پایین) و تغییر مسیر آن به سوی تصمیم‌های جمعی می‌پردازد. سیاستگذاری موسسات عالی با رویکرد حکمرانی صورت می‌گیرد (چو^۴ و همکاران، ۲۰۱۷). سیاستگذاری فرهنگی در کشور ما علی‌رغم وجود نهادها و دستگاه‌های متعدد فاقد الگوی بومی (نوید ادهم و همکاران، ۱۳۹۴)، جزئی - تدریجی و افزایشی^۵ (الوانی و همکاران، ۱۳۹۴)، به صورت دانش جلسه‌ای (توفیقی، ۱۳۹۷)، تدوین سیاست با رای‌گیری قیام و قعودی (ذاکر صالحی، ۱۳۹۷) است، در واقع پاسخگوی انتظارات با توجه به تحولات جهانی نیست و نگاهی گذشته‌نگر و واکنشی^۶ دارد، در حالی که تحولات امروزی نیاز به یک نگاه فراکنشی^۷ دارد. از نظر

موسسات آموزش عالی نقش مهمی در توسعه جوامع به عنوان مراکز دانش و فرهنگ نوآوری دارند، علاوه بر این، جوامع در حال حاضر با فرایندهای مدیریت تغییر خود مواجه هستند (بانز^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). در دو دهه اخیر، با وجود تاکید بر اهمیت فرهنگ، مطالعات سیاستگذاری فرهنگی موسسات آموزش عالی کمتر مورد توجه بوده است و در زمینه طراحی عملیاتی، کاربردی و روش سیاستگذاری فرهنگی نیز با خلا مواجه بوده‌ایم. پرداختن به امر سیاستگذاری فرهنگی از آن جهت اهمیت دارد که نهادهای بسیاری درگیر سیاستگذاری فرهنگی اند و هزینه‌های زیادی صرف فعالیت‌های فرهنگی می‌شود (اشترین، ۱۳۹۱). در این مسیر موانعی وجود دارند که فاصله بین وضع موجود و مطلوب را زیاد کرده، تناسب سیاست‌ها، کارایی برنامه‌ها و اثربخشی فعالیت‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهند. مانع، عامل بازدارنده‌ای است که از به کارگیری ابزارهای مشخص سیاست، جلوگیری و یا راه‌های اجرایی شدن آنرا محدود می‌کند. این موانع می‌توانند باعث بی‌اثر شدن سیاست شوند و جلوی موفقیت آنرا بگیرند (کنسولت^۲، ۲۰۰۹). نظام فرهنگی کشور لایه‌ای فراتر از نظام سیاستگذاری فرهنگی نظام آموزش عالی است و فعالیت‌ها در درون آن صورت می‌پذیرد. عدم توجه به ماهیت پیچیده فرهنگ، فقدان نظریه بومی مورد اجماع و عدم تحول نهادی متناسب با تغییر نگرش‌ها پس از انقلاب به چشم می‌خورند. نظام سیاستگذاری کلان کشور نیز به دلیل عدم انسجام و هماهنگی، بی‌توجهی مفرط به فرهنگ و عدم توجه به رشد متوازن و هم‌افزای نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همراه یکدیگر بر نظام فرهنگی تاثیر منفی گذاشته است (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱). در دانش سیاستگذاری مراحل تدوین، اجرا و ارزیابی رابطه تعاملی تنگاتنگی با یکدیگر دارند. اجرایی شدن

فرامستخواه (۱۳۹۶)، سیاست‌گذاری فعلی موسسات عالی از سپهر اجتماعی و پژوهش‌های میدانی نشأت نگرفته و شاخص‌های کمی در پاسخگویی اجتماعی آموزش عالی کافی نیست و ضرورت توجه به شواهد، توصیف‌ها و تفسیرهای انتقادی و کیفی را گوشزد می‌کند. در نگاه آقابابا (۱۳۹۷)، بدون توجه به بنیان‌های اجتماعی، ارزیابی کم اثر و گمراه کننده خواهد بود و وقتی پای امری کیفی به میان می‌آید، ضرورتی دو چندان پیدا می‌کند. در واقع، اگر ما در فضای جهانی شدن و شرایط متغیر کنونی نتوانیم به جامعه، انتخاب‌های برتر ارائه کنیم، آنجاست که جامعه به سراغ فرهنگ دیگر و جای دیگر می‌رود (عاملی، ۱۳۹۶). در حال حاضر عدم هماهنگی نهادها موجب موازی کاری و آشفتگی حکمرانی و سیاست‌گذاری فرهنگی موسسات عالی کشور شده است که این عدم هماهنگی ناشی از عدم تفاهم در نگاه به ماموریت دانشگاه‌ها و حکمرانی در آموزش عالی می‌باشد. حال پرسش‌های اساسی موجود در این حوزه این است که:

۱- موانع سیاست‌گذاری فرهنگی موسسات آموزش عالی کدامند؟ ۲- راهکارهای برون رفت از وضعیت موجود و ارتقای سیاست‌گذاری فرهنگی موسسات آموزش عالی کدامند؟ ۳- الگوی مطلوب موانع سیاست‌گذاری فرهنگی موسسات آموزش عالی چگونه است؟

ادبیات تحقیق

فرهنگ در آموزش عالی

فرهنگ در آموزش عالی یک ویژگی منحصر به فرد است که از طریق ماموریت و سنت‌های حاکم دانشگاه مشخص می‌شود. اوت^۱ (۱۹۸۹) عوامل تعیین کننده فرهنگ منحصر به فرد دانشگاه را تقسیم‌بندی می‌کند:

- سنت دانشگاهی و فرهنگ جامعه؛

- ماهیت فعالیت‌های دانشگاهی (آموزش، پژوهش،

ماموریت اجتماعی)؛

- اعتقادات، ارزش‌ها و مفروضات اساسی رهبران و بنیانگذاران.

سیاست‌گذاری فرهنگی

سیاست‌گذاری فرهنگی به معنای مدیریت در حوزه فرهنگ (خاشعی، ۱۳۹۷)، شامل مراحل تدوین^۹، اجرا^{۱۰} و ارزیابی^{۱۱} (حسنوی و همکاران، ۱۳۹۵) و مجموعه‌ای از اقدامات هدفمند در مواجهه با مشکل یا مسئله خاص (اشتریان، ۱۳۸۱) است.

۱) تدوین سیاست‌های فرهنگی در نظام آموزش عالی:

در تدوین سیاست، یک مسئله، وضعیتی است از یک نیاز بشری، یک محرومیت یا یک نارضایتی که بوسیله خود شخص یا بوسیله دیگران قابل تشخیص باشد و برای حل این مشکلات به دنبال راه‌حل می‌گردد (اشتریان، ۱۳۸۶). در مرحله تدوین، ضمن شناخت و احساس مشکل، ریشه‌ها و علل بروز آن ادراک می‌شود. همچنین ضمن تحلیل مسائل عمومی متنوع و گسترده و ابعاد مختلف آن، هر یک از آنها در دستور کار سیاست‌گذاری تعیین می‌شوند (هاشمیان، ۱۳۹۱).

۲) اجرای برنامه‌های فرهنگی در نظام آموزش عالی:

اجرای برنامه در اصطلاح و مفهوم کلی به معنای اجرای قانون است که پس از تصویب و قانونی شدن سیاست اتفاق می‌افتد. سازمان‌ها با در هم آمیختن رویه‌ها و فنون متفاوت می‌کوشند اهداف یک برنامه یا یک خط مشی پیشنهادی را به نتیجه مطلوب و مثبت برسانند (قلی‌پور، ۱۳۸۷). به زعم بسیاری از نظریه‌پردازان، دو مرحله تدوین و اجرا از هم جدا نبوده و در هم تنیده‌اند و برای اینکه خط مشی محقق شود باید شکاف میان ذهن و عمل (نظر و عمل) برداشته شود (هاشمیان، ۱۳۹۱). عدم ارائه بسته کاملی از فرهنگ در کنار بی‌توجهی به مسائل زیبایی‌شناختی (شعر، هنر، موسیقی، داستان و ...) موفقیت و کارایی اجرای برنامه‌های

فرهنگی را با شبهه مواجه می‌سازند (صالحی عمران، ۱۳۹۹).

۳) ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی موسسات آموزش عالی: برای دستیابی به نتایج واقعی و مورد انتظار لازم است سیاست‌ها قبل از اجرا، حین اجرا و پس از آن ارزیابی گردند. در فرایند سیاستگذاری فرهنگی موسسات آموزش عالی، ارزیابی ناقص سیاست‌ها سبب می‌شود که اجرای سیاست‌های فرهنگی، بازخورد کامل و جامعی از نتایج خود دریافت نکنند. فلذا، مسائل و مشکلات و مسیرهای نادرست گذشته اصلاح نگردد (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱). ارزیابی سیاست فرهنگی بر به کارگیری مجموعه‌ای از روش‌های تحقیق برای بررسی قاعده‌مند اثربخشی مداخلات سیاستی، اجرا و فرایندهای آن دلالت دارد که در پس مطلوبیت و ارزش‌ها در راستای بهبود شرایط ذینفعان و گروه‌های هدف بر می‌آیند (امامی میدی و اشتریان، ۱۳۹۱).

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت داده‌ها و سبک تحلیل در گروه پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد. اطلاعات اسنادی مبنای روش جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش است. شیوه انجام پژوهش، مرور مطالعات گذشته است که یک فراترکیب با شیوه کدگذاری متداول در پژوهش‌های کیفی است. ابزار گردآوری داده ۴۰ مقاله است که از مجموع ۱۳۵ مقاله جستجو شده در پایگاه‌های اطلاعاتی علمی معتبر داخلی با استفاده از رویکرد هدفمند در بازه زمانی ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۹ انتخاب شدند. مبنای روایی این پژوهش نظر متخصصان، استاد راهنما و مشاورین بوده است. شیوه انجام این پژوهش فراترکیب به عنوان یکی از روش‌های فرامطالعه است. در این پژوهش از روش هفت مرحله‌ای فراترکیب سندلوسکی و بارسو (۲۰۰۷)، مانند شکل (۱) استفاده شده است:

۱. تنظیم سوالات پژوهش

۲. بررسی نظام‌مند متون

۳. جستجو و انتخاب مقالات مناسب

۴. استخراج اطلاعات مقاله

۵. تحلیل و ترکیب یافته‌ها

۶. کنترل کیفیت

۷. ارائه یافته‌ها

شکل ۱- گام‌های فراترکیب

جستجوی ادبیات: بیش از ۱۳۵ سند علمی و مطالعه منتشر شده در پایگاه‌های اطلاعاتی علمی معتبر داخلی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۹، براساس کلید واژه‌های (آسیب‌شناسی^{۱۲}، تحلیل سیاستگذاری فرهنگی^{۱۳}، آموزش عالی^{۱۴}) و ارجاعات مرتبط در زمینه دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی مورد جستجو قرار گرفتند.



شکل ۲- جستجو و انتخاب مقالات مناسب برای الگو

صورت گرفت. با هدف کیفیت بخشی و اعتمادپذیری یافته‌ها، سازماندهی ساخت یافته برای ثبت، نوشتن و تفسیرهای فراترکیب به صورت دستی صورت گرفت. برای تأمین اعتبار و باورپذیری پژوهش از مثلث‌بندی داده‌ای (استفاده از داده‌های اسناد و مصاحبه‌ها)، مثلث‌بندی روش شناسی (روش فراترکیب به همراه مصاحبه) و مثلث‌بندی محیطی (اسناد و نظرات متنوع و فراگیر) استفاده گردید. در واقع، اعتبار یافته‌های پژوهش در دو بعد زمان (از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۹) و مکان (جستجو در بیش از ۱۳ پایگاه داده اطلاعاتی) تأمین شد. همچنین از روش‌های بازبینی توسط همکاران، واریسی مداوم محقق، رفت و برگشت‌های اطلاعاتی با کنشگران فرهنگی و ممیزی بیرونی (بررسی کامل پژوهش و گزارش نقاط قوت و ضعف (کرسول، ۲۰۱۲)) استفاده شد که به متناسب و بومی‌سازی نشانگرهای ارزیابی کمک کرد. همچنین واریسی و بازبینی همکار پژوهش در جهت تأمین اعتبار مطالعه دنبال شد. برای بالا بردن اعتبار پژوهش، آنچه که انجام شد، به صورت شفاف ارائه شد. تمام قسمت‌ها، یعنی شیوه گردآوری مقالات، عناوین مقالات ورودی و نحوه تلفیق اطلاعات به صورتی گویا بیان شده

در ابتدا براساس عنوان، بررسی و در این مرحله ۳۷ سند به دلیل منطبق نبودن با مسئله و متغیرهای تحقیق رد شدند. از ۹۸ سند باقی مانده، با توجه به چکیده، ۳۲ سند دیگر از بررسی خارج شد. در جهت انطباق محتوی اسناد با پژوهش حاضر، از ۶۶ سند باقی مانده، ۲۶ مورد رد شدند در مجموع ۴۰ منبع مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و برای بررسی و پیدا کردن مولفه‌های اصلی و مقوله‌ها و در نهایت استخراج الگوی سیاست سنجی فرهنگی موسسات آموزش عالی مناسب تشخیص داده شدند. ترکیب یافته‌ها و ارائه نتایج: استخراج اطلاعات اسناد با استفاده از چک لیست اقتباس شده از جوانک لیاولی و همکاران (۱۳۹۶) به نقل از ایلی و همکاران (۱۳۹۹) استخراج گردید. اطلاعات به صورت نویسندگان، نوع سند و مولفه‌ها استخراج و در نهایت برای هر دسته ابعاد شناسایی شدند. برای تجزیه و تحلیل یافته‌های کیفی از تحلیل تم^{۱۵} استفاده گردید. پژوهشگر در تمام مراحل به دقت منابع را مطالعه و مولفه‌های هر سند را مشخص و دسته‌بندی کرد و برای هر دسته مقوله‌ای شناسایی شد و در نهایت مورد واریسی و بازبینی پژوهشگر قرار گرفت. همچنین یافته‌ها به صورت ساختار یافته ثبت، سپس نوشتن و تفسیر

است. پژوهشگر کنترل کیفیت لازم را به صورت زیر (جدول ۱) دنبال کرد:

جدول ۱- معیارهای اعتبارپذیری تحقیق کیفی لینکلن و گوبا^{۱۱} (۱۹۸۵) به نقل از گرجی پور و همکاران (۱۳۹۸)

معیارها	اقدامات پژوهشگر
قابل قبول بودن	مطالعه مقالات و اسناد
انتقال پذیری	انتخاب مقاله مناسب
قابلیت اطمینان	ثبت و ضبط جزئیات
تاییدپذیری	رسیدگی و بازبینی مداوم

پژوهشگر طی سه ماه به مطالعه اسناد منتخب پرداخت. اسناد مطالعه شده در پژوهش دارای بهترین دانش و داده در حوزه ارزیابی سیاستگذاری فرهنگی بودند. درباره یافته‌های پژوهش با چندین فعال فرهنگی در بخش‌های گوناگون دانشگاه مشورت شد.

یافته‌های تحقیق

با بررسی عنوان، چکیده و محتوای مقالات در پایگاه‌های اطلاعاتی، ۴۰ مقاله برای مرور نظام‌مند انتخاب شدند.

جدول ۲- بازه زمانی اسناد

تعداد	درصد	سال انتشار
۴	۱۰٪	۱۳۸۷ - ۱۳۹۰
۱۱	۳۷٪/۵	۱۳۹۱ - ۱۳۹۴
۲۵	۶۲٪/۵	۱۳۹۵ - ۱۳۹۹

۱- برای پاسخ به سوال اول که موانع سیاستگذاری فرهنگی موسسات آموزش عالی کدامند؟؛ زیر مولفه‌های موانع سیاستگذاری فرهنگی موسسات

آموزش عالی از طریق چک لیستی با توجه به منابع زیر (جدول ۳) شناسایی شدند.

جدول ۳- منابع استفاده شده در شناسایی موانع سیاستگذاری فرهنگی موسسات آموزش عالی

منبع (کد منبع)
(۱) صالحی امیری و همکاران، ۱۳۸۷؛ (۲) فراستخواه، ۱۳۸۸؛ (۳) آزاد ارمکی، ۱۳۹۰؛ (۴) رضوانی و همکاران، ۱۳۹۰؛ (۵) ساجدی، ۱۳۹۱؛ (۶) شریفی و همکاران، ۱۳۹۱؛ (۷) شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱؛ (۸) حقیقی کفاش و همکاران، ۱۳۹۲؛ (۹) فاضلی، ۱۳۹۳؛ (۱۰) بزرگی، ۱۳۹۳؛ (۱۱) مختاریان، ۱۳۹۳؛ (۱۲) لطیفی و همکاران، ۱۳۹۴؛ (۱۳) الوانی و همکاران، ۱۳۹۴؛ (۱۴) گیوریان و همکاران، ۱۳۹۴؛ (۱۵) بابائی و همکاران، ۱۳۹۴؛ (۱۶) اسمیت و همکاران، ۱۳۹۵؛ (۱۷) دانایی‌فرد، ۱۳۹۵؛ (۱۸) دانش‌فرد، ۱۳۹۵؛ (۱۹) اندرواژ، ۱۳۹۵؛ (۲۰) مقتدایی و همکاران، ۱۳۹۵؛ (۲۱) عباسی و همکاران، ۱۳۹۵؛ (۲۲) صمیم، ۱۳۹۶؛ (۲۳) الوندی، ۱۳۹۶؛ (۲۴) قلی‌پور، ۱۳۹۶؛ (۲۵) منوریان، ۱۳۹۶؛ (۲۶) بیک محمدی و همکاران، ۱۳۹۶؛ (۲۷) هاشمی، ۱۳۹۶؛ (۲۸) خاشعی، ۱۳۹۷؛ (۲۹) بیگی، ۱۳۹۷؛ (۳۰) ضابط‌پور کردی و همکاران، ۱۳۹۷؛ (۳۱) نصیری و همکاران، ۱۳۹۷؛ (۳۲) باقری مقدم و همکاران، ۱۳۹۷؛ (۳۳) جواهری، ۱۳۹۸؛ (۳۴) فراسیایی و همکاران، ۱۳۹۸؛ (۳۵) ابراهیم بای سلامی، ۱۳۹۸؛ (۳۶) صاعد موحشی و همکاران، ۱۳۹۸؛ (۳۷) افشاری و همکاران، ۱۳۹۸؛ (۳۸) جاودانی، ۱۳۹۹؛ (۳۹) صالحی عمران، ۱۳۹۹؛ (۴۰) آبروش و همکاران، ۱۳۹۹.

زیر مولفه‌ها و مولفه‌های فرعی در قالب عوامل فرعی و اصلی طبقه‌بندی مانند جدول (۴) شدند:

جدول ۴- مرور نظام‌مند موانع سیاستگذاری فرهنگی موسسات آموزش عالی

موانع	مولفه‌های فرعی و منابع
-------	------------------------

(۱)؛ (۳)؛ (۵)؛ (۶)؛ (۸)؛ (۹)؛ (۱۱)؛ (۱۹)؛ (۲۱)؛ (۲۴)؛ (۲۵)؛ (۲۶)؛ (۲۹)؛ (۳۱)؛ (۳۳)؛ (۳۴)؛ (۳۵)	نظری و مطالعاتی	تدوین سیاست‌ها
(۱)؛ (۶)؛ (۹)؛ (۱۰)؛ (۱۲)؛ (۱۴)؛ (۱۶)؛ (۱۹)؛ (۲۰)؛ (۲۳)؛ (۲۶)؛ (۲۷)؛ (۲۸)؛ (۳۰)؛ (۳۳)؛ (۳۴)؛ (۳۹)	ضعف مسئله شناسی	
(۴)؛ (۶)؛ (۲۴)؛ (۲۸)؛ (۳۲)	فقدان پایگاه اطلاعاتی	
(۶)؛ (۹)؛ (۱۰)؛ (۱۱)؛ (۱۴)؛ (۱۶)؛ (۱۷)؛ (۱۸)؛ (۲۱)؛ (۲۲)؛ (۲۴)؛ (۲۵)؛ (۲۶)؛ (۲۸)؛ (۲۹)؛ (۳۴)؛ (۳۵)؛ (۴۰)	موانع ناشی از مجریان	اجرای برنامه‌ها
(۱)؛ (۴)؛ (۶)؛ (۸)؛ (۱۰)؛ (۱۱)؛ (۱۳)؛ (۱۵)؛ (۲۴)؛ (۲۵)؛ (۳۰)؛ (۳۳)؛ (۳۴)؛ (۳۵)؛ (۳۶)؛ (۳۷)؛ (۳۸)؛ (۳۹)؛ (۴۰)	منابع انسانی	
(۱۲)؛ (۱۳)؛ (۱۵)؛ (۱۸)؛ (۱۹)؛ (۲۱)؛ (۲۶)؛ (۳۳)؛ (۳۵)	مالی	
(۴)؛ (۹)؛ (۱۱)؛ (۱۴)؛ (۲۲)؛ (۲۳)؛ (۲۳)؛ (۲۴)؛ (۲۸)؛ (۳۷)؛ (۳۸)؛ (۳۹)؛ (۴۰)	قانونی	
(۱)؛ (۴)؛ (۵)؛ (۶)؛ (۸)؛ (۱۱)؛ (۱۲)؛ (۱۳)؛ (۱۵)؛ (۱۸)؛ (۲۱)؛ (۲۲)؛ (۲۳)؛ (۲۴)؛ (۲۵)؛ (۲۶)؛ (۲۷)؛ (۲۸)؛ (۲۹)؛ (۳۰)؛ (۳۱)؛ (۳۲)؛ (۳۳)؛ (۳۴)؛ (۳۵)؛ (۳۶)؛ (۳۷)؛ (۳۸)؛ (۳۹)؛ (۴۰)	مدیریت و زیرساخت‌ها	
(۲)؛ (۷)؛ (۱۱)؛ (۱۷)؛ (۱۹)؛ (۲۱)؛ (۲۵)؛ (۲۹)؛ (۳۰)؛ (۳۱)؛ (۳۳)؛ (۳۴)	محیطی	ارزشیابی فعالیت‌ها
(۱)؛ (۴)؛ (۵)؛ (۶)؛ (۸)؛ (۱۰)؛ (۱۱)؛ (۱۸)؛ (۲۴)؛ (۲۵)؛ (۳۰)؛ (۳۱)؛ (۳۲)؛ (۳۳)؛ (۳۴)؛ (۳۵)؛ (۳۶)؛ (۳۷)؛ (۳۸)؛ (۳۹)؛ (۴۰)	مرتبط با داده	
(۱)؛ (۵)؛ (۸)؛ (۱۴)؛ (۱۹)؛ (۲۹)؛ (۳۴)؛ (۳۵)؛ (۳۹)؛ (۴۰)	سخت افزاری	
(۲)؛ (۴)؛ (۵)؛ (۶)؛ (۱۶)؛ (۱۹)؛ (۲۱)؛ (۲۲)؛ (۲۳)؛ (۲۵)؛ (۲۷)؛ (۲۸)؛ (۲۹)؛ (۳۲)؛ (۳۳)؛ (۳۴)؛ (۳۵)؛ (۳۶)؛ (۳۷)؛ (۳۸)؛ (۳۹)؛ (۴۰)	نرم افزاری	
(۱)؛ (۲)؛ (۳)؛ (۷)؛ (۱۰)؛ (۱۱)؛ (۱۴)؛ (۱۶)؛ (۱۸)؛ (۱۹)؛ (۲۶)؛ (۲۷)؛ (۳۱)؛ (۳۳)؛ (۳۴)؛ (۳۵)؛ (۳۶)	درک و هشیاری	

۲- در پاسخ به سوال دوم که راهکارهای ارتقای سیاستگذاری فرهنگی موسسات آموزش عالی کدامند؟ نتایج مرور نظام‌مند یافته‌های پژوهش‌ها نشان داد که راهکارهای ارتقای سیاستگذاری فرهنگی در نظام راهکارها به تفصیل ارائه شده است.

جدول ۵- منابع راهکارهای بهبود و ارتقای سیاستگذاری فرهنگی موسسات آموزش عالی

ابعاد	(کد) منابع راهکارها
مسئله منابع تدوین	(۱) فراستخواه، ۱۳۸۸؛ (۲) شریفی و همکاران، ۱۳۹۱؛ (۳) فراستخواه ۱۳۹۲؛ (۴) فاضلی، ۱۳۹۳؛ (۵) بزرگی، ۱۳۹۳؛ (۶) قلی‌پور، ۱۳۹۶؛ (۷) خاشعی، ۱۳۹۷؛ (۸) باقری و همکاران، ۱۳۹۷؛ (۹) جاودانی، ۱۳۹۹؛ (۱۰) صالحی عمران، ۱۳۹۹
مسئله منابع اجرا	(۱) فراستخواه، ۱۳۹۲؛ (۲) بزرگی، ۱۳۹۳؛ (۳) گیوریان و همکاران، ۱۳۹۴؛ (۴) دانایی‌فرد، ۱۳۹۵؛ (۵) اندرواز، ۱۳۹۵؛ (۶) مقتدایی و همکاران، ۱۳۹۵؛ (۷) صالحی عمران، ۱۳۹۹

مسئله موانع ارزیابی	(۱) رضوانی و همکاران، ۱۳۹۰؛ (۲) شریفی و همکاران، ۱۳۹۱؛ (۳) شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱؛ (۴) حقیقی کفاش و همکاران، ۱۳۹۲؛ (۵) فاضلی، ۱۳۹۳؛ (۶) لطیفی و همکاران؛ ۱۳۹۴ (۷) افشاری و همکاران، ۱۳۹۸
---------------------	---

۳- در پاسخ به سوال سوم، الگوی مطلوب موانع سیاستگذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی چگونه است؟ نتایج مرور نظام‌مند یافته‌های پژوهش‌ها نشان داد که الگوی مطلوب موانع سیاستگذاری فرهنگی



شکل ۳- الگوی مفهومی موانع سیاستگذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی

بحث و نتیجه‌گیری
 پژوهش حاضر با هدف شناسایی موانع سیاستگذاری فرهنگی مؤسسات آموزش عالی و ارائه راهکارها در جهت اصلاح و بهبود این وضعیت صورت گرفت. ارائه الگویی از موانع، هدف جانبی مطالعه بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که موانع سیاستگذاری فرهنگی شامل

موانع تدوین سیاست‌ها (موانع نظری و مطالعاتی، ضعف در مسئله‌شناسی و روش‌شناسی، فقدان پایگاه اطلاعاتی)، موانع اجرای برنامه‌ها (موانع ناشی از مجریان، موانع مالی، موانع قانونی، موانع مرتبط با منابع انسانی، موانع مرتبط با مدیریت زیرساخت‌ها، موانع محیطی) و موانع ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی (موانع مرتبط با داده‌ها، موانع سخت‌افزاری، موانع نرم‌افزاری، موانع مرتبط با درک و هشیاری) هستند.

الف) موانع مرتبط با تدوین سیاست‌ها:

از نظر شریف‌زاده و همکاران (۱۳۹۱)، در سیاست‌گذاری فرهنگی موسسات آموزش عالی، تدوین غیرعملی و غیرتعاملی سیاست‌ها باعث می‌شوند سیاست‌هایی وضع شوند که در مرحله اجرا با مسائلی مواجه می‌شوند و خروجی‌ها، پیامدها و انتظارات و آثار مورد نظر سیاست‌گذاران نیز آنگونه که انتظار می‌رود محقق نشوند. عدم تبعیت از اصول علمی تدوین سیاست موجب شده است که سیاست‌های فرهنگی بعضاً غیرشفاف، مبهم و چند پهلو تعریف شوند. هدف‌گذاری‌های غیر واقع‌بینانه و گنجاندن هر آنچه خوب است باعث ناتوانی در دستیابی به اهداف و در نتیجه تکرار بدون پیشرفت سیاست‌ها در برنامه‌های مختلف می‌شوند. بی‌توجهی به اقتضائات بخش‌های مختلف کشور در نظام آموزش عالی و کتابت نسخه واحد برای تمام مناطق، اجرای سیاست را مشکل ساخته و باعث اجرای سلیقه‌ای سیاست‌ها یا اجرای غیراثربخش آنها شده است.

۱- موانع نظری و مطالعاتی: براساس یافته‌های

پژوهش در جدول (۴)، کلی‌نگری سیاست فرهنگی، ابهام و کلی‌گویی، عدم بروزرسانی برنامه‌ها متناسب با علایق دانشجویان، ابهام در ارتباط میان سیاست‌های فرهنگی با سایر سیاست‌ها، ابهام یا عدم شفافیت در اهداف، بحران در فهم مسائل آموزش عالی، تدوین سیاست مبهم و چند پهلو، عدم هماهنگی برنامه‌ها با

نیازها و انتظارات دانشجویان، هدفگذاری مبهم و غیرواقعی، عوامل ناشی از سیاستگذاری، تکیه بیش از حد بر تجربه‌های گذشته، نگاه تک‌ساحتی و ایدئولوژیک به مسائل، غیر واقعی بودن و بی‌توجهی به ظرفیت اجرا، تنوع بسیار بالای مقولات فرهنگی، پرداختن به امور فرعی به جای امور اصلی، ابهام در تعریف فرهنگ، افول هنجارها و اخلاق در جامعه، تنوع فکری و فرهنگی موانع نظری و مطالعاتی در تدوین سیاست‌های مطلوب هستند.

۲- ضعف مسئله‌شناسی و روش‌شناسی: براساس

یافته‌های پژوهش در جدول (۴)، مشخص نبودن اولویت موضوعات فرهنگی، عدم اولویت‌بندی سیاست‌ها، توجه به فرهنگ به عنوان مسئله درجه دو، خلا تئوریک و عدم ادراک صحیح مسئله، مشخص نبودن اولویت‌ها، نبود مبنای تئوریک، چالش مفهومی و تعاریف مختلف از یک مفهوم، بی‌توجهی به سلاقی و درخواست مصرف‌کننده، فقدان جایگاه پژوهش در سیاستگذاری، سیاست و برنامه‌های ناکارآمد، متناسب نبودن برنامه‌های دانشگاه با نیازها و اقتضائات، محدود دیدن افق‌های پیش‌رو، عدم مسئله‌محوری در مدیریت، موانع ناشی از مسائل حوزه عتف، تنوع اهداف و انتظارات بیش از حد در دانشگاه، خودمحوری و خودمداری، عدم تمایل به آینده‌نگری، بی‌توجهی به روش‌شناسی در مسئله‌یابی از موانع مسئله‌شناسی و کاربرد صحیح روش‌شناسی در تدوین علمی سیاست‌های فرهنگی هستند.

۳- فقدان پایگاه اطلاعاتی: براساس یافته‌های

پژوهش در جدول (۴)، فقدان چارچوبی برای تعیین قلمرو فرهنگ، عدم ارائه الگوی ارزیابی مناسب سیاستگذاری فرهنگی، فراهم نکردن تمهیدات خاص در مرحله شکل‌گیری، فقدان نظام جامع اطلاعات فرهنگی، عدم رصد کلیه مصوبات، دلالت بر نبود فقدان پایگاه اطلاعاتی مشخص در تدوین سیاست‌های فرهنگی موسسات آموزش عالی دلالت دارند.

راهکارهای بهبود تدوین سیاست‌های فرهنگی

موسسات آموزش عالی: براساس یافته‌های پژوهش در جدول (۵)، ارتقا مسئولیت اجتماعی در حمایت از ترویج فرهنگ علم و مرجعیت علم (۱)، ایجاد سازگاری، هماهنگی و همسویی میان سیاست‌های فرهنگی (۲)، استفاده از مدل سیاستگذاری فرهنگی مبتنی بر تفکر و پژوهش‌های علمی (۳)، متمایز شمردن سیاست فرهنگ از سیاستگذاری فرهنگی (۴)، ضرورت تعامل علمی مستمر و پویایی تئوری پردازان با مجریان (۵)، استفاده از نخبگان و متخصصان فرهنگی در سیاستگذاری فرهنگی (۶)، هماهنگی میان نهادهای فعال در عرصه سیاستگذاری فرهنگی (۷)، ایجاد پایگاه جامع و به زور به عنوان اتاق فکر برای نهادهای سیاستگذار (۸)، سیاستگذاری فرهنگی از پایین به بالا (از مقصد به مبدا) (۹)، در نظر گرفتن یک نقش فرهنگی برای آموزش عالی (۱۰) راهکارهای ارتقای تدوین سیاست‌های فرهنگی در نظام آموزش عالی هستند.

ب) موانع مرتبط با اجرای برنامه‌ها:

در مراحل تدوین و اجرا، فاصله سیاستگذاران و مجریان، کمبود وفاق عملی لازم در درون مراجع سیاستگذاری و اجرا، بی‌اعتقادی مجریان به سیاست‌ها، اجرای صحیح و درست را دچار مشکل می‌سازند (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

۱- موانع ناشی از مجریان: براساس یافته‌های

پژوهش در جدول (۴)، فقدان تفاهم و دیدگاه مشترک میان مجریان، ویژگی‌های رفتاری (نداشتن روحیه کار جمعی، عدم احساس مسئولیت)، ناکافی بودن دانش و مهارت مجریان، عدم تطابق مسئولیت محول شده با تخصص مجریان، فاصله فضای ذهنی سیاستگذاران و مدیران اجرایی، بی‌توجهی به رفتارهای گروه هدف، عدم تطابق سیاست با فرهنگ دانشگاه، باورهای بازیکنان مختلف اجرا، شرایط سازمانی و مانع تراشی برای اجرا، مشخص نبودن وظایف و فقدان هماهنگی، تمایلات،

انگیزه‌ها و نگرش‌های مجریان، عدم تشابه معمول و منطقی میان اتخاذ تصمیم و اجرای آن، عدم تعهد لازم مجریان خط‌مشی‌ها، انتخاب نامناسب ابزارهای اجرایی، فقدان عزم راسخ و انگیزه ناکافی مجریان، کاهش مخاطبان فعال و با انگیزه، نبود استقلال نسبی در ساختار اجرا و اجرای ایدئولوژیک، استفاده ابزاری از فرهنگ، عدم ارائه بسته کاملی از فرهنگ، عدم نقدپذیری مسئولین، از موانع مرتبط و ناشی از مجریان در اجرای برنامه‌های فرهنگی هستند.

۲- موانع مرتبط با منابع انسانی: براساس یافته‌های

پژوهش در جدول (۴)، کمبود نیروی انسانی متعهد و متخصص فرهنگی، بی‌ثباتی مدیریتی، ضعف ارتباط موثر، عدم پایبندی مسئولین به قوانین مدون، ارزیابی متخصصین در نبود شاخص‌های کمی و کیفی، عدم شایستگی و تخصص در کادر اجرایی، فقدان مدیر تخصصی، موانع ناشی از عملکرد افراد، فقدان مهارت و کار گروهی، بی‌اعتمادی دانشجویان به کنترل شدید از موانع مرتبط با منابع انسانی در اجرای برنامه‌های فرهنگی هستند.

۳- موانع مالی: براساس یافته‌های پژوهش در

جدول (۴)، کمبود بودجه و تاثیر آن بر یکنواختی برنامه‌ها، ناسازگاری منابع و هزینه‌ها، هزینه‌های سرمایه‌گذاری و مصرف انرژی، محدودیت منابع و امکانات در اجرایی کردن برنامه‌ها، فقدان منابع مالی کافی، زمان و منابع ناکافی، کمبود بودجه و منابع مالی، موانع فرهنگی، اجتماعی و ساختار اجتماعی ناشی از درآمدهای نفتی، از موانع مالی در تنوع بخشی به برنامه‌های فرهنگی در نظام آموزش عالی هستند.

۴- موانع قانونی: براساس یافته‌های پژوهش در

جدول (۴)، پذیرش توصیه‌های سیاستی، سازگاری عرفی در مقابل قانون، سیاست‌زدگی شدید، قدرت دستگاه‌ها در مثبت نشان دادن عملکرد سازمان، سوگیری سیاسی و امنیتی، موانع بخشنامه‌ای و بوروکراتیک صرف

در فضای فرهنگی، ضعف قانونمندی و فرمالیسم، قابلیت‌های قانونی و متغیرهای رسمی، مقاومت بخش غیردولتی، ساختار اداری نامطلوب دانشگاه و کاغذ بازی اداری، عدم وجود قوانین و مقررات شفاف، نبود استقلال نسبی در اجرا، فقدان چارچوب قانونمند برای ارزیابی، از موانع قانونی در اجرای برنامه‌های فرهنگی در نظام آموزش عالی هستند.

۵- موانع مرتبط با مدیریت و زیرساخت‌ها:

براساس یافته‌های پژوهش در جدول (۴)، وجود مراکز تصمیم‌گیری موازی، انتصاب مدیران ناکارآمد، موانع توانشی، تعدد، ناهماهنگی، و ناسازگاری میان مراکز تصمیم‌گیری، نبود رویکرد منسجم و واحد در سیاست‌گذاری، کم رنگ بودن تعاملات و ارتباطات، ناکارآمدی بوروکراسی، محافظه کاری مدیران، فقدان اطلاعات کافی مدیران، ساختار اجرایی متمرکز، فرمالیسم و بوروکراسی اداری، رشد نامتناسب دانشگاه در انطباق با مناسبات جامعه، سیاست‌گذاری از بالا به پایین، عدم مشارکت گروه‌های مختلف، تنوع و تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده، چالش مدیریتی و حکمرانی موسسات آموزش عالی، ضعف نهادی و ساختاری در سیاست‌گذاری، عدم جذابیت فعالیت‌های فرهنگی، مدیریت سیاسی و هنجاری، عدم استقلال آکادمیک و استقلال فکری، فقدان تعهد، مقاومت نهادهای ارزشی و ایدئولوژیک، موانع سیاسی و حکومتی، ناسازگاری میان مراکز سیاست‌گذاری فرهنگی، مشکلات ارتباطی، فقدان هماهنگی میان مدیران اجرایی، از موانع مرتبط با مدیریت و زیرساخت‌ها در اجرای برنامه‌های فرهنگی هستند.

۶- موانع محیطی: براساس یافته‌های پژوهش در

جدول (۴)، جهانی شدن و اثر پروانه‌ای^{۱۷}، تهاجم فرهنگی و جنگ نرم دشمن، جهانی شدن و الزامات آن، عدم توان کنترل مسائل بیرونی دانشگاه، عوامل خارج از سازمان و حوادث غیرمترقبه، درگیر مطالعات تطبیقی با

سایر کشورها شدن، ضعف قانون‌مداری، بحران‌های داخلی و خارجی موثر، مواجهه با محیط به شدت متحول، متنوع، رقابتی و آشوبناک، دگرگونی‌های اجتماعی، فناوری‌های پر شتاب و چالش‌زا، بحران‌های داخلی و خارجی، رشد شتابان تحولات جهانی، نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، از موانع محیطی در اجرای صحیح برنامه‌های فرهنگی نظام آموزش عالی هستند.

راهکارهای بهبود اجرای برنامه‌های فرهنگی

موسسات آموزش عالی: براساس یافته‌های پژوهش در جدول (۵)، توجه به مدل‌های باز و پویا برای بحث و نقادی آزاد (۱)؛ استفاده از افراد متخصص و متعهد برای اجرای برنامه‌های فرهنگی (۲)؛ استفاده داوطلبانه از فرصت‌های موجود در برابر پذیرش دستوری (۳)؛ وجود رهنمودهای روشن برای سازمان‌دهی مجریان (۴)؛ کاهش فعالیت‌های موازی نهادهای فرهنگی فعال در دانشگاه (۵)؛ ایجاد شرایط مناسب برای شکوفایی استعداد انسان‌ها و اشاعه فرهنگ نوآوری (۶)؛ ارتقای حس زیبایی‌شناختی از طریق برنامه‌های هنری همچون شعر، موسیقی و ... (۷)؛ از راهکارهای بهبود اجرای برنامه‌های فرهنگی در نظام آموزش عالی هستند. واقعیت‌ها، اجرای خط‌مشی‌ها را سخت می‌کنند. واقعیت‌هایی که با اهداف و مقررات تعیین شده برای دستیابی به آنها کاملاً متفاوت هستند. لذا به منظور بررسی ضریب موفقیت خط‌مشی‌ها در اجرا، ضروری است موانع اجرا به درستی شناخته شوند (قلی‌پور، ۱۳۸۷). غیرتعاملی بودن، عدم گفت‌وگو، انقطاع مسیر سیاست‌گذاری، اجرای ضعیف، فقدان تخصص، کمبود نیروی انسانی شایسته، حاکمیت ملاحظات سیاسی کوتاه مدت، نبود نهادهای مرکزی انسجام بخش، مشارکت‌پذیری محدود و بی‌ثباتی در اجرا از عوامل محدود کننده اجرای درست سیاست‌ها و برنامه‌ها هستند (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

ج) موانع مرتبط با ارزیابی فعالیت‌ها:

طلبی و پاسخگویی بین ذینفعان، ارزیابی ناکامل سیاست‌ها، فقدان تمهیدات اشاعه و کاربست یافته‌ها، نابرابری اطلاعاتی، عدم شناخت ارزیابی فرهنگ و ضعف فرهنگ مشارکت، تعارضات سیاسی ایدئولوژیک، نگاه امنیتی و سیاستی به فعالیت‌های فرهنگی، مقاومت گروه‌های هدف، عدم وجود استاندارد، عدم وجود پایگاه اطلاعاتی مناسب، از موانع نرم‌افزاری در ارزیابی نتایج حاصل از فعالیت‌های فرهنگی در نظام آموزش عالی هستند.

۴- موانع مرتبط با درک و هشیاری: براساس یافته‌های پژوهش در جدول (۴)، عدم تمایل به ارزیابی، نگاه تک بعدی به دانشجویان، ترس از ارزیابی و نتایج پایین، گروه‌های فشار (ذی نفوذ و ذی‌نفع)، توجه به افزایش و توسعه کمی محصولات، اعتماد ناکافی ذینفعان به روش‌ها و نتایج، جزئی‌نگری و تک بعدی شدن سیاست‌ها، فقدان شور و هیجان در دانشجویان، فعال نبودن کمیته‌های ارزیابی، ضعف در اندیشه جمع‌گرایی و نداشتن روحیه کار جمعی، عدم شکل‌گیری یک سنت مطالعاتی قوی درباره ارزیابی، تعصب‌گرایی و فاصله گرفتن از واقعیت‌ها، بی‌اعتمادی و بی‌رقبیتی دانشجویان به فعالیت فرهنگی، نگاه عموماً تجاری به دانشگاه، غلبه نگرش امنیتی به فرهنگ، ساده‌انگاری، نبود تقاضا برای ارزیابی، نظام تصدی‌گرایی و دیدگاه مداخله‌ای، نگاه ایدئولوژیک و مناسکی به فرهنگ، از موانع مرتبط با درک و هشیاری در ارزیابی نتایج حاصل از فعالیت‌های فرهنگی در نظام آموزش عالی هستند.

راهکارهای بهبود ارزیابی سیاستگذاری فرهنگی
موسسات آموزش عالی: براساس یافته‌های پژوهش در جدول (۵)، بازسازی شاخص‌ها از طریق تحقیق اجتماعی و به صورت مداوم (۱)؛ تدوین شاخص‌های دقیق و قابل رصد در ارزیابی سیاستگذاری فرهنگی (۲)؛ یکپارچه کردن نهادهای ارزیابی و تصمیم‌گیرنده فرهنگی (۳)؛ ایجاد ساختار ارزیابی مناسب و استفاده

ارزیابی اگر به صورت صحیح، حرفه‌ای و موثر انجام نشود، تکرار فرایندهای نادرست و تحمیل هزینه فراوان را به دنبال خواهد داشت.

۱- موانع مرتبط با داده‌ها: براساس یافته‌های پژوهش در جدول (۴)، فقدان نظام دقیق ارزیابی و عدم تعیین شاخص‌ها، فقدان داده‌های کافی و کامل، فقدان داده در زمینه اثرات ناملموس، عدم تدوین شاخص‌های قابل رصد، کمبود اطلاعات، فقدان سیاست‌های مشخص و مصوب، ارتباطات و اطلاعات ناکافی، عدم تدوین معیارها، عدم ثبت بینش و ایده بصری، سیاست‌های تلویحی و نانوشته، رسالت‌های جدید در سازمان، فقدان شاخص‌های کلیدی ارزیابی، عدم وجود معیارها و شاخص‌های شفاف در ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی، ملاک‌ها و معیارهای غیرعملی و غیرآکادمیک، عدم تدوین شاخص‌های قابل فهم، وسعت کم مطالعات در حوزه سیاستگذاری فرهنگی، از موانع مرتبط با داده‌ها در ارزیابی نتایج، پیامدها و آثار سیاستگذاری فرهنگی نظام آموزش عالی هستند.

۲- موانع سخت‌افزاری: براساس یافته‌های پژوهش در جدول (۴)، ضعف ساختار نظارت و ارزیابی، ساختار اداری متمرکز، عدم به کارگیری فناوری مناسب، عدم برخورداری از تجهیزات کافی، ساختار اداری نامطلوب، فقدان سیستم ارزیابی عملکرد، محدود بودن اختیارات گروه‌ها و مدیریت‌های فرهنگی، عدم هماهنگی بخش‌های مختلف دانشگاه در اجرایی کردن فعالیت‌ها، عدم به کارگیری خلاقیت‌های مختلف در ارزیابی فعالیت‌ها، نبود زیرساخت‌های اداری و مدیریتی، از موانع سخت‌افزاری ارزیابی نتایج، پیامد و آثار فعالیت‌های فرهنگی در نظام آموزش عالی هستند.

۳- موانع نرم‌افزاری: براساس یافته‌های پژوهش در جدول (۴)، انفجار اطلاعات و انقلاب الکترونیک، دشواری ارزیابی ابعاد کیفی فرهنگ، موانع بینشی، کم توجهی به نظارت و خودکنترلی، نبود فرهنگ پاسخ

اعتماد به نفس افراد و قابلیت اجرای برنامه‌ها را افزایش داد.

- کلیه مصوبات نهادهای مختلف به لحاظ تناسب و همراستایی اهداف، با ایجاد پایگاه جامع داده‌ها رصد شوند.

- بازنگری اساسی در اسناد بالا دستی با هدف پاسخگویی به نیازهای روز جامعه دانشگاهی لحاظ شود.

منابع

آبروش، رضا؛ حسین، امین بیدختی، علی اکبر؛ رضایی، علی محمد و صالحی عمران، ابراهیم (۱۳۹۷). مطالعه عوامل موثر و زمینه ساز اجرای خط مشی‌های آموزش عالی در ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی، آموزش عالی ایران، سال دهم، شماره دوم.

آقابابا، ابوالفضل (۱۳۹۲). تقسیم کار اجتماعی (مکانیکی یا ارگانیکی) و رویکرد مبتنی بر (تصمیم یا اتفاق) و ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی. مجموعه مقالات دومین کنفرانس ارزشیابی و تضمین کیفیت در نظام های آموزش. سازمان سنجش آموزش کشور.

آزاد ارمکی، تقی و منوری، روح (۱۳۹۰). درآمدی برای تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات. سال ششم، شماره ۲.

ابراهیم بای سلامی، غلام حیدر (۱۳۹۸). فرهنگ و سیاست‌گذاری در ایران. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۲، شماره ۵.

ایبلی، خدایار؛ پورکریمی، جواد؛ حاج خزیمه، مجتبی؛ و حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۹). شناسایی مولفه‌های توسعه حرفه‌ای مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی (یک مطالعه فراترکیب). فصلنامه علوم دریایی.

احمدی رضائی، حسین و مالکی، فائزه سادات (۱۳۹۴). سیاست‌گذاری در آموزش عالی با رویکرد

مطلوب از نتایج ارزیابی (۴)؛ بر طرف کردن موانع جامعه‌پذیری علمی و فرهنگی دانشجویان (۵)؛ ارزیابی کلان و خرد در بخش‌های عمومی و فرهنگی (۶)؛ توجه به نظارت همگانی و خود کنترلی در ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی (۷)؛ از راهکارهای بهبود ارزیابی از نتایج، پیامدها و اثرات فعالیت‌های فرهنگی موسسات آموزش عالی هستند. برای دستیابی به نتایج واقعی و مورد انتظار، لازم است سیاست‌ها در تدوین، برنامه‌ها در اجرا و فعالیت‌ها در بخش نتایج و پیامدها و آثار مورد ارزیابی قرار گیرند. ارزیابی ناقص سبب می‌شود که بازخورد کامل و جامعی از نتایج دریافت نشود. فلذا مسائل و مشکلات و مسیرهای نادرست گذشته اصلاح نگردند. فقدان متخصصان ارزیابی، نبود اطلاعات صحیح و انکارناپذیر، مستندسازی نشدن صحیح نتایج اجرا و نبود شاخص‌های ارزیابی مشخص برای اندازه‌گیری خروجی‌ها و پیامدهای را می‌توان مدنظر داشت. ارزیابی محدود و با نگاه غیر فرهنگی و سخت‌افزاری با تمرکز بر خروجی‌ها نیز سبب نادیده گرفتن پیامدها و آثار نهایی اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها می‌شود (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، توصیه‌های سیاستی زیر پیشنهاد می‌گردند:

- نهادهای متولی سیاست‌گذاری فرهنگی موسسات آموزش عالی کاهش یابد تا از این طریق اثربخشی آنها بیشتر شود.

- حیطة کاری نهادهای سیاست‌گذاری فرهنگی مشخص، تا از این طریق از انجام کارهای تکراری جلوگیری شود.

- چارچوب ماموریت‌های فرهنگی دانشگاه‌ها تدوین تا بتوانند طبق اهداف و ماموریت‌های مشخصی عمل کنند.

- با ثبات مدیریت می‌توان تسلط بیشتر و به نوعی

- حکمرانی (خوب). تهران، انتشارات مشکوه دانش. حکمرانی (خوب). تهران، انتشارات مشکوه دانش.
- اسمیت، کوین و دابلیو لایمر، کریستوفر (۱۳۹۵). درآمدی بر نظریه خط‌مشی‌گذاری عمومی. ترجمه حسن دانایی‌فرد. انتشارات صفار.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۱). روش سیاستگذاری فرهنگی. تهران: کتاب آشنا. چاپ اول.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۶). سیاستگذاری عمومی در ایران: آسیب‌شناسی فرایند بررسی اجرای سیاست‌ها، موانع و مشکلات فراروی آن، سایت خبرگزاری دانشجویان ایران (اسپا).
- اشتریان، کیومرث (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر روش سیاستگذاری فرهنگی. تهران، نشر جامعه‌شناسان.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر سیاستگذاری فرهنگی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- افراسیابی، رویا و یارل، ناهید (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی فرهنگی آموزش عالی. فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری. سال سوم، شماره ۱۳.
- افشاری، عبدالرحمن، توسلی رکن‌آبادی، مجید و شریعتی، سعید (۱۳۹۸). بازشناسی موانع سیاسی تحقق اهداف سیاستگذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، سال ۷، شماره ۲۶.
- الوانی، سیدمهدی و شریف‌زاده، فتاح (۱۳۹۴). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: نشر نیاز دانش.
- الوندی، پدram (۱۳۸۶). فرهنگ و آموزش. انتشارات موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- امامی‌مبیدی، راضیه و اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱). طراحی نظام ارزیابی سیاست‌های عمومی در جمهوری اسلامی ایران، مجله پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره هفتم، شماره ۲.
- اندرواز، سید فاطمه (۱۳۹۵). ارزیابی برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه خوارزمی از منظر دانشجویان و مطلعین کلیدی، دانشگاه ادبیات و علوم انسانی، رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه خوارزمی.
- بزرگی، حوریه (۱۳۹۳). بررسی چالش‌های سیاستگذاری فرهنگی ایران، فصلنامه دین و سیاست فرهنگی، دوره ۱، شماره ۱، پیاپی ۱.
- بابائی، سحر و توکلی، غلامرضا (۱۳۹۴). تدوین مدل فرایندی سیاستگذاری در سازمان‌های دولتی. فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۱، شماره ۳.
- باقری مقدم، ناصری و احمدی، حسین (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی حکمرانی و نظام‌های آموزش عالی ایران. فصلنامه علمی پژوهشی سیاستگذاری عمومی. دوره ۴، شماره ۴.
- بیک محمدی، حسن؛ کریمی قطب‌آبادی، فضل‌الله و شکوهی، شاپور (۱۳۹۶). تحلیل شاخص‌های توسعه فرهنگی، فصلنامه علمی پژوهش مطالعات برنامه‌ریزی سکونت‌گاه‌های انسانی، دوره دوازدهم، شماره ۱ (پیاپی ۱۳۸).
- بیگی، وحید (۱۳۹۷). مروری جامع بر مبانی و نظریه‌های خط‌مشی‌گذاری عمومی. انتشارات نگاه دانش.
- توفیقی، جعفر (۱۳۹۷). سیاستگذاری در آموزش عالی. سلسله مباحث کلاس‌های دکتری تخصصی مدیریت آموزش عالی. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تهران.
- جاودانی، حمید (۱۳۹۹). سیاستگذاری آموزشی. انتشارات موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- جواهری، فاطمه (۱۳۹۸). سیاست‌های فرهنگی در دانشگاه‌های دولتی ایران پس از انقلاب اسلامی. انتشارات دفتر سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم؛ تحقیقات و فناوری.
- حسنوی، رضا؛ نظامی پور، قدیر؛ بوشهری، علیرضا؛ آذر، عادل؛ قربانی، سعید (۱۳۹۵). طراحی مدل تاثیر آینده‌نگاری بر سیاستگذاری علم فناوری و نوآوری در سطح ملی با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری. فصلنامه سیاست علم و فناوری. سال ششم، شماره ۲.

- شماره ۱. تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی.
- صاعد موچشی، عبدالرحمن، توسلی رکن‌آبادی، مجید و شریعتی، سعید (۱۳۹۸). بازشناسی موانع سیاسی تحقق اهداف سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال ۷، شماره ۲۶.
- صالحی عمران (۱۳۹۹). شاخص‌های تدوین، اجرا و ارزیابی. مصاحبه در دانشگاه فنی و حرفه‌ای تهران.
- صمیم، رضا (۱۳۹۶). تولید و مصرف در دانشگاه ایران. موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ضابط پورکردی، امین بیدختی، علی‌اکبر؛ رضایی، علی محمد و صالحی عمران، ابراهیم (۱۳۹۷). مطالعه عوامل موثر و زمینه ساز اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی در ایران. دو فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران، سال دهم، شماره دوم.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۶). گذر از جامعه توده‌ای به جامعه فردی. در نامه شورا، شماره های ۱۰۶ و ۱۰۷؛ دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- عباسی، عباس؛ معتضدیان، رسول و میرزایی، محمد قاسم (۱۳۹۵). بررسی موانع و اجرای خط‌مشی‌های عمومی سازمان‌های دولتی. پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی، دوره ۶، شماره ۲.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۳). فرهنگ و دانشگاه. نشر ثالث.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۸). دانشگاه و آموزش عالی، منظره‌های جهانی، مسئله ایرانی، نشر نی.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۲). چکیده بحث در کرسی‌های نقد اجتماعی سیاست آموزش عالی. انجمن جامعه‌شناسی.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۶). نظارت و ارزشیابی در آموزش عالی. سلسله مباحث کلاسی دوره دکتری مدیریت آموزش عالی. دانشکده روان‌شناسی و علوم
- حقیقی کفاش، مهدی؛ اسماعیلی، محمدرضا و اکبری، مسعود (۱۳۹۲). ارزیابی عملکرد سازمان‌های فرهنگی. موسسه انتشارات امیرکبیر.
- خاشعی، وحید (۱۳۹۷). مورد کاوی در سیاست‌گذاری فرهنگی. نشر فوژان.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۵). گفتارهای جدید خط مشی‌گذاری عمومی. انتشارات دانشگاه امام صادق.
- دانش فرد، کرم‌الله (۱۳۹۵). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی. انتشارات صفار.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۹۷). آشنایی با موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. سلسله سمینارهای تخصصی مدیریت آموزش عالی. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تهران.
- رضوانی، محمدرضا و منتظری، علی (۱۳۹۰). تحلیل روش‌ها و شاخص‌های ارزیابی فرهنگ، هنر و ارتباطات در کشورهای مختلف جهان. هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ساجدی، رضا (۱۳۹۱). شاخص‌های الگوی اسلامی و تربیت عقلانی. گروه تربیت اسلامی. مرکز مطالعات راهبردی.
- شریف‌زاده، فتاح؛ الوانی، سید مهدی، رضایی‌منش، بهروز و مختاریان‌پور، مجید (۱۳۹۱). موانع اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه. بررسی تجربیات مدیران فرهنگی، فصلنامه مدیریت راهبردی، سال هفتم، شماره ۱، پیاپی ۱۳.
- شریفی، سید علیرضا و فاضلی، عبدالرضا (۱۳۹۱). واکاوی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، آسیب‌ها و راهبردها، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، شماره شصت و نه.
- صالحی امیری، سیدرضا و دولت‌آبادی، امیر (۱۳۸۷). مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی. پژوهشکده

- تربیتی دانشگاه تهران.
- قلی پور، رحمت الله (۱۳۸۷). تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران، انتشارات سمت.
- قلی پور، رحمت‌الله (۱۳۹۶). تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی. انتشارات سمت.
- گیوریان، محمدرضا و ربیعی‌ند، محمدرضا (۱۳۹۴). فرایند خط‌مشی‌گذاری پیشرفته. موسسه کتاب، نشر مهربان.
- لطیفی، میثم و ظهوریان ابوترابی، میثم (۱۳۹۴). تدوین الگوی ارزیابی شاخص‌های فرهنگ عمومی در دانشگاه‌ها. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هشتم، شماره ۱.
- مانه‌ایم، یارول و ریچارد ریچ (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم انسانی. ترجمه لی لی سازگار، تهران، نشر دانشگاهی.
- مختاریان‌پور، مجید (۱۳۹۳). عوامل تسهیل‌کننده اجرای موفق سیاست‌های فرهنگی کشور، راهبرد فرهنگ، شماره ۲۷.
- شبکی، اصغر و خادمی، علی‌اکبر (۱۳۸۷). مروری آسیب‌شناسانه بر سیاست‌ها و سیاست‌گذاری فرهنگی ایران بعد از انقلاب اسلامی، فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، شماره ۴.
- مقتدایی، مرتضی و ازغندی، علیرضا (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره سی و چهارم، بهار.
- منوریان، عباس (۱۳۹۶). تحلیل خط‌مشی عمومی. انتشارات دانشگاه تهران.
- نصیری، مهدی و لبادی، زهرا (۱۳۹۷). فرهنگ سازمانی در سازمان‌های آموزشی و فرهنگ علمی
- پژوهشی در آموزش عالی. دو ماهنامه مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه. سال سوم، شماره سه، پیاپی، جلد ۱.
- نوید ادهم، مهدی و صادق‌زاده قمصری، علیرضا (۱۳۹۴). طراحی الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی نظام آموزش و پرورش. فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال چهارم، شماره پانزدهم.
- وحید، مجید (۱۳۸۳). از فرهنگ سیاست‌گذاری تا سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- هاشمیان، سیدمحمد حسین (۱۳۹۱). بازخوانی دانش سیاست‌گذاری در بستر پست مدرنیسم، اجرا و ارزیابی سیاست‌ها در پست مدرن، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، دوره ۱۷، شماره ۶۶.
- هاشمی، سیدضیاء (۱۳۹۶). سیاست فرهنگی در دانشگاه ایران. موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

Chan, S.J & Yang, C.Y (2017). Governance styles in Taiwanese universities: Features and effects. International journal of educational development.

Chou, M.H; Jungblut, J. Ravinet, P. and Vulcasovic, M (2017). Higher education governance and policy: an introduction to multi – issue, multi level and multi actor dynamics. UK Limited, trading as Taylor & Francis Group.

Jenkins, W.I (1978). Policy analysis: A political and organizational perspective. London: Martin Robertson.

Konsult, G (2009). Barriers to implementation, The Konsult knowledge base.

Sandelowski, M & Barroso, J (2007). Handbook for synthesizing qualitative research. Springer Publishing Company. New York.

یادداشت‌ها

¹Yanez
²Konsult

³Chan
⁴Chou

⁵incremental
⁶reactive
⁷proactive
⁸Ott
⁹compilation
¹⁰implementation
¹¹appraisal

¹²pathology
¹³cultural policy making analysis
¹⁴higher education
¹⁵theme analysis
¹⁶Lincoln & Guba
¹⁷butterfly effect

